

دو تار خراسان

● محمدرضا درویشی



مقدمه

پژوهش درباره فرهنگ و موسیقی ایران بی شک به حدود جغرافیای سیاسی امروز محدود نمی شود. فرهنگ ایرانی در طول تاریخ پرفراز و نشیب خود - چه قبل و چه پس از اسلام - دارای دو خصوصیت عمده بوده است. این دو خصوصیت دارای پیوندی درونی بوده و در واقع یکی از طریق دیگری تجلی می یافته است. ما این دو خصوصیت اصلی و کلیدی را چنین باز می شناسیم:

۱- ایران در مقاطع طولانی از تاریخ خود، یکی از مراکز ثقل تمدن های دنیای قدیم بوده است.

۲- فرهنگ ایران در عین حال یک فرهنگ تلفیقی بوده است.

بدون آنکه خواسته باشیم به تشریح این دو جنبه پردازیم، به ذکر چند مورد اکتفا می کنیم: تاریخ مستند ایران (به غیر از پیشدادیان و کیانیان که بیشتر جنبه اسطوره و افسانه دارند) از مادها آغاز می شود. از دوران مادها تا ورود مسلمانان به ایران پنج سلسله بر ایران حکومت کردند:

۱- مادها (تقریباً از ۷۰۸ تا ۵۵۰ ق.م.)

۲- هخامنشیان (تقریباً از ۵۵۰ تا ۳۳۰ ق.م.)

۳- سلوکیه - اسکندر و جانشینان یونانی او - (تقریباً از ۳۳۰ تا ۱۸۷ ق.م.)

۴- اشکانیان (تقریباً از ۲۴۹ ق.م. تا ۲۲۶ م.)

۵- ساسانیان (تقریباً از ۲۲۴ تا ۶۵۲ م.)

در این دوران نسبتاً طولانی که حدود ۱۵۰۰-۱۴۰۰ سال به درازا کشید، ایران یکی از قطب های اصلی تمدن در دنیای قدیم بود. محدوده وسیع جغرافیای سیاسی ایران در این دوران - با توجه به تغییرات زیاد - پهنه ای از آسیای میانه تا شمال آفریقا و از شرق تا غرب آسیا را در بر می گرفت. در این پهنه عظیم جغرافیایی، فرهنگ های گوناگونی می زیستند که در عین دارا بودن استقلال و هویت فرهنگی، در یک هم پیوندی شگفت انگیز فرهنگی نیز قرار داشتند و از طریق همین پیوند است که ما به خصوصیت دیگر فرهنگ ایران یعنی جنبه تلفیقی آن می رسیم.

علاوه بر آنچه ذکر شد باید از نکته دیگری نیز سخن گفت و آن وحدتی بود که پیش از مهاجرت اقوام آریایی، در فرهنگ تیره های آریایی وجود داشت.

بعذار ظهور اسلام و پس از آمدن اسلام توسط

اعراب به ایران و انقراض دولت ساسانی، تمدن ایران به کشورهای دیگر گسترش بیشتری پیدا کرد. در اواسط قرن هفتم میلادی، مسلمانان به ایران آمدند و طولی نکشید که فرمانروایی عظیمی از رود سیحون در شمال شرق خراسان تا جبل الطارق به وجود آمد. فرهنگ بزرگی ایجاد شد که علت آن گسترش اسلام در یک قلمرو جغرافیایی وسیع، تنوع فرهنگ، آمد و شد زیاد در این قلمرو، تشویق در جهت کار علمی و فرهنگی در زمان دودمان عباسی و نیز مخلوط شدن نژادها و تیره های مختلف بود. مبدأ موسیقی اسلامی نیز از همین دوره آغاز می شود. جنبه تلفیقی فرهنگ ایران که قبل از اسلام وجود داشت، در دوره اسلامی نمود بیشتری یافت. تمدن اسلامی از فرهنگ ایرانی تأثیرات زیادی اخذ کرد و با گسترش این تمدن در کشورهای عربی آسیا و شمال آفریقا و نیز آسیای مرکزی و ماوراءالنهر - تا شرق آسیا - فرهنگ ایران به بسیاری از مناطق آسیا، آفریقا و اسپانیا - اندلس - گسترش یافت.

می توان گفت بحثی که «فازایی» (متولد ۲۶۰ هـ.) در بخش دوم از قسمت اصلی کتاب «موسیقی کبیر» درباره سازهای رایج در زمان خود و به ویژه تنبور

خراسانی می‌کند، حکایت از سابقه طولانی این سازها و به ویژه تنبور خراسانی در ایران دارد. انتخاب تنبور خراسان به عنوان سازی محوری در رساله «فارابی»، حاکی از قدمت این ساز و پیشینه قابل توجه دستان‌بندی آن است که در مقایسه با بسیاری از سازهای مشابه، از دستان‌بندی صحیح‌تر و منطقی‌تری برخوردار بوده است. بر همین اساس می‌توان گمان برد که دستان‌بندی پیشرفته‌تر تنبور خراسان در آسیای صغیر و ماوراءالنهر نیز نفوذ چشمگیری داشته است.

بدون آن که خواسته باشیم در بحث لغوی گرفتار شویم و بدون آن که بخواهیم دستان‌بندی امروز دوتار در خراسان را همان دستان‌بندی تنبور خراسانی بدانیم، گمان داریم که دوتارهای امروز خراسان از سلف خود - تنبور خراسان - بی‌تأثیر نبوده و نیستند.

ما این بحث را با مقایسه دستان‌بندی‌های مختلف دو تار در خراسان و مقایسه آنها با سیستم فواصل صفا الدین و گام تامپره پی خواهیم گرفت.

قبل از ورود به بحث اصلی، دو نکته را به اجمال از نظر می‌گذرانیم:

اول: تنوع و پراکندگی سازهای زهی اعم از آرشه‌ای و زخمه‌ای در نواحی مختلف ایران

دوم: تنوع و پراکندگی سازهای خانواده دو تار در این مناطق

نکته اول: جغرافیای طبیعی ایران از یک سو و ساختمان و نوع صدا دهنده سازی‌های زهی از سوی دیگر باعث گردیده تا عمده سازی‌های زهی ایران - اعم از مضرابی و آرشه‌ای - بیشتر در نواحی شمال‌شرقی، شمال‌غربی، شرق و تا حدودی غرب و برخی از نواحی مرکزی تمرکز یابند. نواحی مرکزی ایران به دلیل دارا بودن کویرهای گسترده و جمعیت کم و نواحی جنوب بنا به جغرافیای ویژه خود و نوع زندگی مردمان، کمترین تعداد از سازهای زهی را دارا هستند. پراکندگی و تنوع سازهای زهی در ایران را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

۱- آذربایجان شرقی: ساز عاشیقی (قوپوز)، کمانچه، تار آذربایجانی

۲- آذربایجان غربی: ساز عاشیقی (قوپوز)، کمانچه، سازهای خانواده باغلاما (این سازها از ترکیه و شمال عراق به این منطقه مهاجرت کرده‌اند).

۳- گیلان: کمانچه، تمبوره.

۴- مازندران: دوتار، کمانچه.

۵- ترکمن صحرا: دوتار، کمانچه.

۶- شمال خراسان: دوتار، کمانچه.

۷- شرق خراسان: دوتار.

۸- سیستان: قیچک و رباب.

۹- بلوچستان: رباب، قیچک، تمبورک و بینجو (ساز

اخیر اصالت بلوچی نداشته و از هند و پاکستان به این ناحیه مهاجرت کرده است).

۱۰- هرمزگان: تمبیره نوین (که سازی مهاجر از آفریقا است)، چنگ (قیچک - سازی مهاجر از بلوچستان) و عود (که بیشتر از فرهنگ‌های عربی وام گرفته شده تا فرهنگ فارسی).

۱۱- خوزستان: ربابه (رباب) «سازی زهی متعلق به

اعراب».

۱۲- لرستان: کمانچه، تنبور.

۱۳- کردستان: کمانچه (که امروزه کمتر دیده می‌شود)، سازهای خانواده باغلاما (سازهای مهاجر از ترکیه و شمال عراق).

۱۴- کرمانشاهان: تنبور، کمانچه.

۱۵- منطقه کومش (سمنان، دامغان و شاهرود): کمانچه.

۱۶- قزوین، همدان، زنجان، اردبیل: ساز عاشیقی (قوپوز).

۱۷- برخی از نواحی کرمان مانند کهنوج: چنگ (قیچک) «سازی مهاجر از بلوچستان».

۱۸- و در حوزه‌های رواج ردیف سنتی موسیقی ایران: تار، سه تار، کمانچه، سنتور، قانون و بریط (عود).

بنابراین مشاهده می‌کنیم که هرچه از نواحی شمالی به نواحی جنوبی نزدیک می‌شویم، از تعداد سازهای زهی کم و بر تعداد سازهای کوبه‌ای افزوده می‌شود. سازهای بادی تقریباً با پراکندگی متعادلی در سراسر ایران دیده می‌شوند.

نکته دوم: چگونگی پراکندگی دوتار در نواحی مختلف ایران است. این پراکندگی را می‌توان به صورت زیر بررسی نمود.

۱- خراسان

در خراسان با دو حوزه یا دو کانون اصلی، مختلف و متفاوت دو تار روبرو می‌شویم. کانون اول مربوط به نواحی شرقی خراسان مانند تربت جام، خواف، تایباد و کل منطقه باخرز تا حدود سرخس است و کانون دوم مربوط به نواحی شمالی خراسان مانند قوچان، شیروان، بجنورد، اسفراین، و درگز می‌باشد. دامنه کانون اول به سمت غرب تا کاشمر و دامنه کانون دوم را می‌توان تا نیشابور و حدود سبزوار دنبال نمود. کانون اول (شرق خراسان) با فرهنگ و موسیقی منطقه هرات در افغانستان پیوند دارد و کانون دوم (شمال خراسان) از تأثیرات موسیقی ترکمنی بهره فراوان جسته است.

۲- ترکمن صحرا

در نواحی ترکمن‌نشین ایران - از غربی‌ترین قسمت آن مانند گرگان تا شرقی‌ترین ناحیه مانند جرجلان، راز و درگز - دو تار به عنوان مهم‌ترین ساز، حضوری گسترده دارد. موسیقی نواحی ترکمن‌نشین ایران با موسیقی جمهوری ترکمنستان هم ریشه است.

۳- علی‌آبادکتول (استرآباد)

منطقه علی‌آبادکتول شرقی‌ترین ناحیه طبری زبان در استان مازندران است. این منطقه از یک سو از موسیقی شرقی مازندران و از جانب دیگر از موسیقی ترکمنی تأثیر گرفته است. تأثیرات موسیقی فرهنگ‌های دیگری مانند فرهنگ خراسان، و سیستان نیز در این ناحیه دیده می‌شود. در علی‌آبادکتول نیز

دوتار یکی از سازهای اصلی محسوب می‌گردد.

۴- شرق مازندران

تمرکز عمده دو تار در شرق مازندران از حدود ساری آغاز شده و در منطقه بهشهر، زاغمرز و نکا به اوج خود می‌رسد.

۵- کرمانشاهان (و برخی از نواحی لرستان)

آنچه در این منطقه مورد نظر ماست «تنبور» است. این ساز دارای خصوصیات و کیفیاتی است که صرف نظر از تفاوت نام، ما آن را در خانواده دو تار قرار می‌دهیم. به طور کلی می‌توان چنین استنباط کرد که در ایران قدیم، تنبور و دوتار سازهای واحدی بوده‌اند که در نواحی مختلف به نام‌های مختلفی خوانده می‌شده‌اند. چنان که در خراسان در قدیم به جای «دوتار» از واژه تنبور استفاده می‌شده است (نگاه کنید به بحث ابونصر فارابی در «موسیقی کبیر» پیرامون تنبور خراسانی).

حوزه رواج تنبور در کرمانشاهان به دو منطقه قابل تقسیم است: یکی منطقه صحنه و دیگری منطقه گوران. تنبور در این منطقه سازی آیینی و مورد احترام است و بیشتر در میان پیروان فرقه «اهل حق» رواج داشته است. رواج تنبور در لرستان (نورآباد الشتر و برخی مناطق دیگر) نیز تنها به پیروان فرقه «اهل حق» محدود است.

مقایسه تطبیقی دوتارهای مناطق مختلف

خراسان

چنان چه ذکر شد در خراسان دو کانون عمده رواج دوتار وجود دارد. یکی در شرق خراسان (تربت جام، خواف و منطقه باخرز) و دیگری در شمال خراسان (قوچان، شیروان، بجنورد و اسفراین). علاوه بر این دو کانون عمده باید به «درگز» اشاره کرد که گرچه از نظر نقشه جغرافیایی در قلمرو خراسان است اما به لحاظ فرهنگ و موسیقی بیشتر از موسیقی ترکمن صحرا تبعیت می‌کند. در این بحث دوتارهایی را از شرق و شمال خراسان و نیز درگز مورد بررسی قرار داده و با هم مقایسه می‌کنیم. این مقایسه از چند زاویه صورت می‌گیرد:

۱- مقایسه خصوصیات ظاهری

۲- مقایسه سیستم‌های کوک

۳- مقایسه دستان‌بندی

۴- مقایسه تکنیک‌های اجرایی

۵- مقایسه جنس و مواد به کار رفته

۶- مقایسه نحوه ساخت

۱- مقایسه خصوصیات ظاهری

دوتارهای رایج در شرق و شمال خراسان با وجود تفاوت در شکل ظاهری‌شان از خصوصیات ظاهری نسبتاً مشترکی پیروی می‌کنند. همه آنها دارای یک کاسه طنینی هستند که شبیه به شکل نیمه گلابی

است. اما در همین شکل نیمه گلابی هم اختلاف دیده می‌شود.

حجم کاسه طنینی در دوتار شرق خراسان نسبت به شمال خراسان فعلاً بیشتر است. دوتارهای خراسان دارای دو وتر هستند. این وترها فعلاً از جنس سیم فولادی است. وترها از یک طرف به سیم گیر و از جانب دیگر پس از عبور از خرک و شیطانک به دور گوشی‌ها پیچیده شده‌اند. دوتارهای خراسان فاقد لانه کوک یا جعبه گوشی هستند و گوشی‌ها مستقیماً در انتهای دسته به داخل آن در دو جهت مختلف فرو رفته‌اند. دوتارهای خراسان دارای خرکی کوتاه و کوچک هستند. کوتاه بودن ارتفاع خرک باعث می‌شود که در هنگام نواختن دوتار، صدای حاصله از برخورد ناخن‌ها به صفحه ساز نیز شنیده شود. به طور کلی در سازهای خانواده دوتار، صدای حاصله از برخورد ناخن‌ها به صفحه بخش جدایی‌ناپذیر سونوریتته ساز محسوب می‌شود. خرک در دو تار شمال خراسان (به مانند دو تار ترکمنی) بسیار کوتاه و ارتفاع آن از ۳-۲ میلی متر تجاوز نمی‌کند. دوتارهای شرق خراسان دارای خرکی بلندتر هستند. کاسه طنینی دوتارهای خراسان یکپارچه است. دسته دوتارهای خراسان نسبتاً ظریف و باریکند. در این میان دسته دوتارهای شمال خراسان نسبت به دوتارهای نواحی شرق، باریک‌تر و ظریف‌تر است.

تعداد دستان‌ها در دوتارهای مختلف در خراسان متفاوت است. دوتارهای شرق خراسان از ۷ تا ۱۸ دستان دارند و دوتارهای شمال خراسان بین ۱۱ تا ۱۳ دستان دارند.

بر روی کاسه طنینی در دوتارهای خراسان صفحه چوبی قرار می‌گیرد که خرک نیز در نقطه معینی بر روی صفحه قرار می‌گیرد. خرک در اغلب اوقات با سریش (نوعی چسب گیاهی قدیمی) بر روی صفحه چسبانده و ثابت می‌شود. بنابراین اجزای تشکیل دهنده دوتار در تمام نواحی خراسان شامل: کاسه یکپارچه، صفحه چوبی، دو گوشی، دو وتر، سیم‌گیر، خرک، شیطانک و دستان‌ها می‌باشد. نکته آخر اینکه دوتارهای خراسان و به طور کلی تمام سازهای خانواده دوتار در ایران (از جمله تنبور کرمانشاه) بدون استفاده از مضراب و تنها توسط پنجه (انگشتان دست) نواخته می‌شوند.

۲- مقایسه سیستم‌های کوک

وجه مشترک سازهای خانواده دوتار - و تنبور - در به کارگیری دو سیستم کوک بنیادی است. این دو سیستم عبارتند از: نسبت چهارم و نسبت پنجم درست. با این حال در بیشتر سازهای این خانواده، تعداد قابل توجهی از کوک‌های تریبلی یا غیرمتعارف دیده می‌شود. استفاده از کوک‌های غیر مألوف اغلب به شیوه‌های جدید نوازندگی یا توانایی اجراکننده معطوف می‌شود.

اینک سیستم‌های کوک را در دوتارهای شرق و شمال خراسان به تفکیک مورد بررسی قرار می‌دهیم. الف) سیستم کوک در دوتارهای شرق خراسان: از این منطقه چند دوتار از چند نوازنده معروف مورد بررسی قرار می‌گیرد. دوتارهای «غلامعلی پور عطایی» (ترتیب جام) - دوتار «عبدالله سرور احمدی» (ترتیب



جام) - دوتار «عثمان محمدپرست» (خواف) و دوتار «ذوالفقار عسگری پور» (دوردگرد = کاشمر، مشهد، تربت جام و...).

• سیستم کوک دوتار «غلامعلی پور عطایی»:

C-G کوک سرحدی - جمشیدی؛
C-F کوک اشترخجه - آهو؛
C-Bb کوک پرده چار (چهار)؛
C-C کوک جفت (هم صدا)؛
C-C8 یا (C-C) کوک نارذانه (اکتاو)؛
C-Ab کوک طرب؛

در آخرین کوک (طرب) صدای «C» قدری کمتر است. ضدادهندگی این کوک تا حدی به «سه‌گانه» شباهت دارد. «کوک طرب» تنها کوکی است که در آن صدای وتر اول نیز قدری تغییر می‌کند.

• سیستم کوک دوتار «ذوالفقار عسگری پور»:

C-G کوک شیخ احمدجامی؛
C-F کوک اشترخجه؛
C-Bb کوک کردی؛
D-D8 یا (D-D) کوک مثنوی (اکتاو)؛

از میان چهارنوع کوک ذکر شده توسط «ذوالفقار عسگری پور»، دو نمونه اول مربوط به موسیقی منطقه شرق خراسان (ترتیب جام) و دو نمونه بعدی برای اجرای موسیقی‌های خارج از حوزه تربت جام است.

• سیستم کوک دوتار «عثمان محمدپرست»:
• سیستم کوک دوتار «عبدالله سرور احمدی»:

C-G برای ۹۰٪ از مقام‌ها؛
C-F برای اشترخجه، آهو و سه نمونه پلتان؛
C-Bb برای آهنگ شاه صنم؛

از مقایسه آنچه ذکر شد می‌توان چنین نتیجه گرفت:

۱- رایج‌ترین و مهم‌ترین سیستم کوک در حوزه تربت جام و شرق خراسان، نسبت چهارم درست نزولی است که هر چهار نوازنده یاد شده بر آن اتفاق نظر دارند: C-G.

۲- بعد از نسبت چهارم درست، نسبت پنجم درست نزولی اهمیت می‌یابد که سه تن از نوازندگان یاد شده بر آن اتفاق نظر دارند: C-F.

۳- سه تن از نوازندگان یاد شده بر نسبت دوم بزرگ نزولی اتفاق نظر دارند: C-Bb.

۴- دو تن از نوازندگان نامبرده بر نسبت اکتاو درست نزولی اتفاق نظر دارند: C-C8.

۵- تنها یک تن از نوازندگان نامبرده (غلامعلی پور عطایی) به نسبت‌های هم صدای درست و سوم بزرگ معتقد است: C-C و C-A.

چنانچه مشاهده می‌شود مهم‌ترین کوک‌های دوتار در تربت جام و شرق خراسان، شامل نسبت چهارم درست نزولی: C-G و نسبت پنجم درست نزولی: C-F می‌باشد که در این میان نسبت چهارم درست نزولی تفوق دارد.

ب) سیستم کوک در دو تارهای شمال خراسان:

از این ناحیه خراسان نیز سیستم کوک دوتار چند نوازنده معروف مورد بررسی قرار می‌گیرد: دوتارهای متعلق به «محمدحسین یگانه» و «محمد یگانه» (قوچان)، «علی غلامرضایی المه جوغی» (روستای